

بسم الله الرحمن الرحيم

رسیدیم تا بحث مواقف، موقف اول را که حث احرام بود را عرض کردم. موقف دوم که خیلی موقف مهمی هم هست موقف مطاف است. مطاف که قران وقتی میخواهد آن را توضیح بدهد اینطور توضیح می دهد. به این دو آیه توجه کنید سوره مبارکه حج آیه ۲۹ صفحه ۳۳۵

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا که اینها را گفتیم که حج آمدن به سمت امام است. **لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ** و بعد یک مقدار روی بحث منا می ایستد که **وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنْ بَيْتِ اللَّهِ الْعَتِيقِ** یعنی بیت سابقه دار باید گفت؛ نه بیت کهنه، نه بیت قدیمی، که این خانه از زمان حضرت آدم اینجا بوده و اول بیت وضع للناس و حتی حجر و همه این چیزها (بوده).

یک معنایی در بحث طواف هست، عنوان طواف، عنوان طواف دارد می گوید که بیایید پیش این خانه، پیش امام، طواف کنید. طواف کردن عاشقانه است. طواف در حقیقت دورت بگردم امام است، دورت بگردم خداست.

آیه ۳۳ را ببینید **لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ**

اینجا را به عنوان یک نقطه عتیق _ عتیق بعدا معلوم میشود نه صرف حضور فیزیکی حضرت آدم _ اینجا یک گره ای به عالم ذرع خورده است. و به فطرت خورده است و سیر اینکه به این صورت است این است که هیچ خانه ای واقعا این مقدار به آدم هیمنه پیدا نمی کند. یعنی شما وقتی که این خانه را می بینید شما بزرگترین کاخ های دنیا رو ببینید، _ من دیده ام خودم در روسیه _ در هیچ جای دنیا، هیچ بنایی به این سادگی و به این عظمت در روح آدمی تأثیر نمی گذارد. یعنی این بنا و این خانه فطری است. زیرا بعدا معلوم میشود که محاذات عرش الهی است و طوافی است از جنس ملائکه که دارند دور عرش خداوند طواف می کنند.

آیه پایانی سوره زمر آیه ۷۵ می شود صفحه ۴۶۷ میگوید **وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ**

حافین یعنی همین حلقه زدن. ملائکه را تو می بینی که **(وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا) تا (طَبَنُّمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ)** پاک که میشوی می گویند بیا برو در بهشت؛ **وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ...** که این دو بعدی و دولایه ای آیات سر جای خودش است که هم زمین بهشت را میگویند؛ هم زمینی که به ارث یورثها من یشاء من عباده وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ زمینی که ان شالله در ایام حضور حضرت به ارث میرسد و **فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ * وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ**

آن موقع آنجا ملائکه را می بینی که حلقه زده اند به دور عرش **يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ** که دارند تسبیح پروردگار میکنند **وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** این حلقه زدن و طواف و دورت بگردمی که وجود دارد ...

الان شما جواب من را اگر بدهید یک مقدار نزدیک میشویم به بحث. قرار شد که بیاییم به این خانه که بیاییم پیش امام درست است؟ یعنی قرار شد که اینجا مکان امامت باشد که بیاییم بیعت کنیم با امام. هم آیه **يَأْتُوكَ رِجَالًا** بود و هم آیه **فَأَجْعَلْ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ** که اینها را مفصل گفتیم.

حالا شما میخواهید دور خدا بگردید و با او بیعت کنید. در قرآن می فرماید **إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ** کسی که با تو- با توی پیغمبر- بیعت میکند، به عنوان امام جامعه بیعت میکند؛ با خدا دارد بیعت میکند.

یعنی بیعتی که ما با خدا داریم میکنیم بیعتی است که با امام میکنیم. این بیعت به صورت یک امر هم نمادین و هم غیر نمادین، به صورت استلام حجر آمده است. حجر چیست؟ حجر. سناریوش را گوش کنید، اگر شد روایتش را هم برایتان میخوانم. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کدام قسمت می ایستند و اعلام امامت می کنند و اعلام ظهور میکنند؟ قاعدتاً کجا باید بایستند تا آدمها بروند بیعت کنند؟ ایشان باید در رکن حجر بایستند و همین طور هم هست و روایت هم همین را میگوید.

در رکن حجر می ایستند پشت به دیوار کعبه در رکن حجر. چرا؟ چون که اساساً بیعت دارد انجام میشود **إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ**. بیعت با خدا، بیعت با ولی خداست و استلام حجر (به این منظور است) حالا کاری نداریم که گفته اند اگر ازدحام شد نروید و مزاحم بقیه نشوید، البته گفته اند (وقتی به رکن حجر رسیدید) دستتان را بلند کنید به حالت بیعت و اشاره بکنید به حالت بیعت.

وقتی در طواف هستید به حجر که رسیدید انگار از دور دارید یک استلامی می کنید؛ یک بیعت نمادین میکنید.

خود این خانه که عرض کردیم **وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ** این را بگذارید در کنار این روایت، اصلاً ما چرا یکهو هوس این روایت ها را کردیم؟ نکته مهمش این است که این خانه یک خانه فطری است. این برای الناس است و این خانه از ابتدا بوده است و ارتباط روحی و مثابه حالت گودال یعنی یک گردهمایی گودال طور، حالا غیر این که آن منطقه یک حالت گودال طور هم دارد. میگویند که قلب حاجی گره خورده به فضای خانه.

لذا وقتی که خانه را میبینند، اینجا حج رفته کم داریم نمیتوانم شاهد بگیرم، کسی که خانه را می بیند انگار یکهو فرو می ریزد. واقعا با دیدن است. یعنی ممکن است شما خیلی این خانه را در تلویزیون ببینید اما وقتی مشافحتاً اصلاً یک وضعیتی است که **جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ * جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ**. سجده، طبیعی ترین اتفاقی (است که می افتد) اصلاً شما لزومی ندارد که سجده کنید! همینجوری سجده می کنید. اصلاً اینجوری نیست که قراری با خودتان گذاشته بودید که بر این خانه سجده بکنید. همینجوری یکهو سجده می کنید. این حالتی که خانه دارد در حقیقت حالت فوق العاده ای است. در روایت ما این خانه فطری است، محل فطری است. این همان عرشی است که این روایت را اگر نگاه کنید دارد که:

لِمَ سُمِّيَتْ الْكَعْبَةُ كَعْبَةً؟ برای چه کعبه کعبه است؟ برای چه کعبه را مکعب نامیده اند؟ **قَالَ لِأَنَّهَا مُرَبَّعَةٌ** چون چهار ضلعی است. **فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَتْ مُرَبَّعَةً** اصلاً سوال چه بود؟ چرا چنین سوالی از امام صادق می شده است؟ بخاطر اینکه می دانستند که این خانه با خانه هایی که خودشان می سازند فرق دارد. اینکه حالا چرا این خانه مربع شده است؟ **قَالَ لِأَنَّهَا بِحِذَاءِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ** چون که محاذات بیت المعمور است. این خانه خانه ای حقیقی است. خانه صناعی نیست. شما هر چیزی که اینجا صناعت

میکنید ترکیبش ما به از ندارد. یعنی اینطور نیست که الان خانه خودتان هم مابه از دارد در عوالم بالاتر. این (خانه‌ی خودتان) یک ترکیب غیر حقیقی است. ترکیب نخود لوبیایی است. یک سری آجر و سیمان کنار همدیگر چسبانده اند شده خانه شما.

مثلاً الان یک ماشین تولید می‌کنند در کارخانه ایران خودرو یا سایپا که قرار است حرکتی نداشته باشد اینطور نیست که این الان در عوالم بالاتر مابه از دارد. وقتی که می‌گویند این خانه به از دارد، یعنی این خانه یک خانه حقیقی است. بعد می‌گویند که چرا بیت المعمور مربع است؟ می‌گویند چون به ازای عرش است. چرا مربع است؟ چون این کلمات گفته شده است: **بُنِيَ الْإِسْلَامُ أَرْبَعًا؛ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.** این تسبیحات اربعه ته ذکر هستند! این تسبیحات اربعه چهار گوشه عرش است که به لفظ که درآمده است شده است تسبیحات اربعه.

آن موقع که می‌گوید **وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَاقِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ** در حقیقت این عرش همینجوری بیاوری پایین؛ تخت فرمانروایی خدا را بیاوری پایین؛ می‌شود کعبه! این خیلی مهم است که فرمانروایی خدا و عرش خدا، - حالا راجع به عرش؛ راجع به حوض؛ راجع به این عناوینی که در آیات و روایات بخصوص عرش که خیلی مهم است. باید صحبت کنیم - گفته اند عرش خدا روی آب است. **وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ** خودش یک بحث مفصلی دارد. یک بحث جالب و شیک و ترمیمز. اینکه ثم استوی علی العرش. اینکه عالم را آفرید بعد خودش رفت روی عرش نشست. اینکه عرش خدا روی آب است. عرش خدا روی آب است لیبوکم احسن عملا احسن عمل شما کدام است. این عرش روی آب عرشی است که فرمانروایی خدا بر اساس انسان کاملی انجام می‌شود که این انسان کامل است که معلوم می‌شود شما احسن عمل‌هایتان کدام است. وگرنه احسن عملا برای کار خوب نیست، احسن عملا برای کاری است که بر اساس منویات امام انجام شود.

وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ این همان آبی است این همان آبی است که **إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ.**

آن موقع شما می‌آید بر فرمانروایی انسان کامل و ولی الهی انجام می‌شود دستتان را می‌گذارید و بیعت می‌کنید. لذا باید بدانید که دارید چطور بیعت می‌کنید و دارید با امام بیعت می‌کنید اینجا و این کعبه است که مایه قیام مردم است. **جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ** چه خانه ای باید باعث قیام مردم باشد؟! خود بیت را می‌گوید مایه قیام مردم است چرا؟ چونکه عرش خدا سقوط بکند می‌شود کعبه؛ دست خدا؛ دست راست خدا میشود رکن حجر. که آن موقع استلام حجر استلام با ولی خداست و بیعت با ولی خداست. این معانی به قدری در روایت گفته شده اند که اگر این معانی را با خودت مرور نکردی، اصلاً تو طواف نکرده‌ای. چون اصلاً نمیدانی که دور چه کسی داری می‌گردی. با چه کسی داری بیعت می‌کنی. احیای امر برای همین است. شما داری احیای امر می‌کنی. با امام داری بیعت می‌کنی.

یک نکته دیگر که در بحث استلام حجر وجود دارد یک نکته روحی؛ اما مهم است. میدانید که این سنگ سفید بوده است حجر الاسود نبوده است. از اول یک یاقوت سفید رنگ بوده است. اثر دست گنهکاران زیادی بر این (سنگ) باعث شده است که سیاه بشود. یعنی یک سنگ سفید بوده است حجر الاسود نبوده، حجر الابيض بوده است. اینکه آدم فکر بکند که گنهکار یک جا برود و بیاید، گرچه آن گنهکار دارد پاک میشود ولی اگر در آب کر هم یکسره چیزی بریزی، بالاخره آب کر هم باشد؛ آب

استخر هم باشد؛ آب سد هم باشد، بالاخره تاثیرات و بوی در آن ایجاد می‌شود. یعنی اینطور نیست که شما فکر کنید که یک چیزی مصونِ مصون است. برای همین بوده است که ائمه خدا، وجود نازنین پیغمبر؛ می‌گفتند که ما هم دلمان ابری میشود. لیغان علی قلبی، ما دلمان ابری میشود. باید برویم توبه بکنیم، استغفار بکنیم تا دلمان پاک شود". این نکته‌ای است که انسان اگر یکسره دست به دست اهل دنیا بسپارد، حتما توبه لازم دارد، حتما گریه لازم دارد. حتما نماز لازم دارد. حتما سحر لازم دارد. و اینها خرد خرد سیاه میشود. حجر الابيض سیاه شده است. از بس که گنهکار به آن دست کشیده است. این نمیشود که آدم یکسره در دنیا و غبار دنیا باشد. حتما چرک و کثیف میشود. هرچه که باشد کثیف میشود باید برود خودش را تمیز کند.

خلاصه این نکته مهمی است در بحث خود عنوان حجر. خیلی مطلب مهمی است که در روایات ما این مطلب را به جریان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داده اند. در کتاب علل یک بابی است که روایاتی دارد. آن را بخوانید که باب علتی که من عجلها ... بخاطر آن علت حجر را در این رکن گذاشته اند و جای دیگری نگذاشته اند و علت آن این است که استلام می‌شود و میثاق و پیمان را دارید در حقیقت با این پیمان میبندید. در روایت است.

روایت یک این باب؛ که روایت بلندی هم هست می‌گوید حجر کان ملکا عظیما؛ حجر یک ملکی است من عظماء ملائکه عندالله فلما اخذ الله من الملائکه الميثاق؛ وقتیکه خدا از ملائکه پیمان الست بر بکم و پیمان سجده بر آدم میگیرد کان اول من آمن به و اقر ذلك الملك. این میشود اولین ملکی که سجده کرد و پیمان بست فاتخذه الله امینا علی جمیع خلقه. خدا او را امین بر تمام خلق قرار داد و میثاق را بر اساس او انجام داد. اوایل روایتش اینطور است. دارد که سوال می‌کند، حضرت می‌گوید خوب گوشه‌ای را باز کن، تا برای دلایلش را بگویم که چرا اینطور شده است

فافعل و فرغ قلبک و اسمع سمعک. بعد می‌گوید که ان الله تبارک و تعالی وضع الحجر الاسود و هو جوهره أخرجت من الجنة الى آدم فوضع في ذلك الركن لعله الميثاق؛ اصلا این را گذاشتند اینجا، آدم گذاشته است اینجا به عنوان میثاق، به این داستان که ذلک انه لما اخذ من بنی آدم من ظهورهم ذریاتهم گفتیم که کلا این خانه فطری محسوب میشود. حین اخذ الله علیهم الميثاق فی ذلک المكان؛ از همین رکن است که طیر بر قائم هبوط میکند، و جبرئیل به صورت یک طیری می‌آید و با قائم بیعت میکند. این مکان شهادت میدهد. حضرت پشت به حجر می‌دهند و این رکن میثاق است که می‌آیند اینجا شهادت میدهد که اینجا پیمان بسته اند (ادامه روایت) که شاهد است بر اینکه این عهد را انجام داده اند اینکه در حقیقت می‌بوسند و لمس میکنند حجر را؛ اینها به عنوان رکن میثاق از یاد شده است.

این هم مطلبی است به عنوان مطلب مهم در فضای طواف.

(کسی سوال پرسید رکن یمانی استلام دارد؟) خیر رکن یمانی استلام ندارد، حجر استلام دارد. رکن یمانی هم یک چیز روحی دارد. که رکن یمانی رکنی است که (کمی قبل از آن رکن) امیرالمومنین از آن رکن به دنیا آمدند.

دل متوجه امیرالمومنین میشود. این فضای طواف یک فضای عاشقانه با امام است و به عبارتی بیعتی است که دارید با امام می‌کنید و اگر این کار را نکنید در روایت است که شما اصلا طواف نکرده اید. شما

رفته‌ای خانه را دیده‌ای و دورش چرخیده‌ای. می‌خواهم بگویم اگر این بحثها نباشد واقعا معماست. خانه و نقش خانه و اینکه عرض کردیم یک جای امنی است، **وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً** محل گردهمایی است و برای همه مردم هم هست. سازمان ملل متحد در واقع سازمان دول متحد. این در واقع درباره طواف و مطاف و اینها. اگر آن روایت را کاملش را می‌خواندیم، کاش حوصله داشتیم کاملش را می‌خواندیم، کاملش را بخوانید خیلی تذکر دارد که اولاً از این طرفش به مساله خلقت مرتبط است. از آن طرف به مساله امامت و میثاق امامت، به میثاق. آدرس روایت علل الشرایع جلد ۲؛ صفحه ۴۲۹

أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى عَنْ عُمَرَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَيِّ عِلَّةٍ وَضَعَ اللَّهُ الْحَجَرَ فِي الرُّكْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِ وَلَمْ يُوضِعْ فِي غَيْرِهِ وَلِأَيِّ عِلَّةٍ يَقْبَلُ وَلِأَيِّ عِلَّةٍ أُخْرِجَ مِنَ الْجَنَّةِ وَلِأَيِّ عِلَّةٍ وَضَعَ فِيهِ مِيثَاقَ الْعِبَادِ وَالْعَهْدُ وَلَمْ يُوضِعْ فِي غَيْرِهِ وَكَيْفَ السَّبَبُ فِي ذَلِكَ تُخْبِرُنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِن تَفَكَّرِي فِيهِ لَعَجَبٌ قَالَ فَقَالَ سَأَلْتُ وَأَعْصَلْتُ فِي الْمَسْأَلَةِ وَاسْتَفْصَيْتُ فَأَفْهَمَ وَفَرَّغَ قَلْبَكَ وَأَصْغَ سَمْعَكَ أَخْبِرُكَ إِن شَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَضَعَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَهُوَ جَوْهَرَةٌ أُخْرِجَتْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَى آدَمَ فَوَضَعَتْ فِي ذَلِكَ الرُّكْنِ لِعِلَّةِ الْمِيثَاقِ وَذَلِكَ أَنَّهُ لَمَّا أَخَذَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ حِينَ أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ وَفِي ذَلِكَ الْمَكَانِ تَرَاءَى لَهُمْ رَبُّهُمْ وَمِنْ ذَلِكَ الرُّكْنِ يَهْبِطُ الطَّيْرُ عَلَى الْقَائِمِ فَأُولُو مَنْ يُبَايِعُهُ ذَلِكَ الطَّيْرُ وَهُوَ وَاللَّهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِلَى ذَلِكَ الْمَقَامِ يُسْنِدُ ظَهْرَهُ وَهُوَ الْحُجَّةُ وَالدَّلِيلُ عَلَى الْقَائِمِ وَهُوَ الشَّاهِدُ لِمَنْ وَافَى ذَلِكَ الْمَكَانَ وَالشَّاهِدُ لِمَنْ أَدَّى إِلَيْهِ الْمِيثَاقَ وَالْعَهْدَ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ بِهِ عَلَى الْعِبَادِ وَأَمَّا الْقُبْلَةُ وَالْإِلْتِمَاسُ فَلِعِلَّةِ الْعَهْدِ تَجْدِيداً لِدَلِّكَ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ وَتَجْدِيداً لِلْبَيْعَةِ وَ لِيُؤدُّوا إِلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْعَهْدِ الَّذِي أَخَذَ عَلَيْهِمْ فِي الْإِلْتِمَاسِ فِي الْمِيثَاقِ فَيَأْتُونَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ لِيُؤدُّوا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْعَهْدَ أَلَّا تَرَى أَنَّكَ تَقُولُ أَمَانِي أَدَيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ وَاللَّهُ مَا يُؤدِّي ذَلِكَ أَحَدٌ غَيْرُ شَيْعَتِنَا وَ لَا حَفِظَ ذَلِكَ الْعَهْدَ وَالْمِيثَاقَ أَحَدٌ غَيْرُ شَيْعَتِنَا وَإِنَّهُمْ لَيَأْتُونَهُ فَيَعْرِفُهُمْ وَيُصَدِّقُهُمْ وَيَأْتِيهِ غَيْرُهُمْ فَيُنَكِّرُهُمْ وَ يُكذِّبُهُمْ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ يَحْفَظْ ذَلِكَ غَيْرُهُمْ فَلَكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ وَ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ بِالْحُفُودِ وَ الْجُحُودِ وَ الْكُفْرِ وَ هُوَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَجِيءُ وَ لَهُ لِسَانٌ نَاطِقٌ وَ عَيْنَانِ فِي صُورَتِهِ الْأُولَى يَعْرِفُهُ الْخَلْقُ وَ لَا يُنَكِّرُونَهُ يَشْهَدُ لِمَنْ وَافَاهُ وَ جَدَّدَ الْعَهْدَ وَالْمِيثَاقَ عِنْدَهُ بِحَفِظِ الْمِيثَاقِ وَالْعَهْدِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ يَشْهَدُ عَلَى كُلِّ مَنْ أَنْكَرَ وَ جَحَدَ وَ نَسِيَ الْمِيثَاقَ بِالْكَفْرِ وَ الْإِنْكَارِ وَ أَمَّا عِلَّةُ مَا أُخْرِجَهُ اللَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ فَهَلْ تَدْرِي مَا كَانَ الْحَجَرُ قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ كَانَ مَلَكًا عَظِيمًا مِنْ عَظَمَاءِ الْمَلَائِكَةِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا أَخَذَ اللَّهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمِيثَاقَ كَانَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ أَقَرَّ ذَلِكَ الْمَلَكُ فَاتَّخَذَهُ اللَّهُ أَمِينًا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ فَالْقَمَّةُ الْمِيثَاقِ وَ أودَعَهُ عِنْدَهُ وَ اسْتَعْبَدَ الْخَلْقَ أَنْ يُجَدِّدُوا عِنْدَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ الْإِفْرَارَ بِالْمِيثَاقِ وَالْعَهْدِ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْهِمْ ثُمَّ جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَ آدَمَ فِي الْجَنَّةِ يُذَكِّرُهُ الْمِيثَاقَ وَ يُجَدِّدُ عِنْدَهُ الْإِفْرَارَ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَلَمَّا عَصَى آدَمُ فَأُخْرِجَ مِنَ الْجَنَّةِ أَنَسَاهُ اللَّهُ الْعَهْدَ وَالْمِيثَاقَ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى وُلْدِهِ لِمُحَمَّدٍ وَ وَصِيهِ وَ جَعَلَهُ بَاهِتًا حَيْرَانًا فَلَمَّا تَابَ عَلَى آدَمَ حَوْلَ ذَلِكَ الْمَلَكِ فِي صُورَةِ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ فَرَمَاهُ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَى آدَمَ وَ هُوَ بِأَرْضِ الْهِنْدِ فَلَمَّا رَأَاهُ أَنَسَ إِلَيْهِ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُهُ بِأَكْثَرٍ مِنْ أَنَّهُ جَوْهَرَةٌ فَأَنْطَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ يَا آدَمُ أَتَعْرِفُنِي قَالَ لَا قَالَ أَجَلٌ اسْتَحْوَذَ عَلَيْكَ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاكَ ذَكَرَ رَبِّكَ وَ تَحَوَّلَ إِلَى الصُّورَةِ الَّتِي كَانَ بِهَا فِي الْجَنَّةِ مَعَ آدَمَ فَقَالَ لِآدَمَ أَيْنَ الْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ فَوَثَبَ إِلَيْهِ آدَمُ وَ ذَكَرَ الْمِيثَاقَ وَ بَكَى وَ خَضَعَ لَهُ وَ قَبَّلَهُ وَ جَدَّدَ الْإِفْرَارَ بِالْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ ثُمَّ حَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَى جَوْهَرِ الْحَجَرِ دُرَّةً بَيْضَاءَ صَافِيَةً تُضِيءُ فَحَمَلَهُ آدَمُ عَلَى عَاتِقِهِ إِجْلَالًا لَهُ وَ تَعْظِيمًا فَكَانَ إِذَا أَعْيَا حَمَلَهُ عَنْهُ جَبْرَائِيلُ حَتَّى وَافَى بِهِ مَكَّةَ فَمَا زَالَ يَأْتِسُ بِهِ بِمَكَّةَ وَ يُجَدِّدُ

الْإِفْرَارَ لَهُ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا أَهْبَطَ جَبْرَائِيلَ إِلَى أَرْضِهِ وَ بَنَى الْكَعْبَةَ هَبَطَ إِلَى ذَلِكَ الْمَكَانِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْبَابِ وَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ تَرَاءَى لِآدَمَ حِينَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ وَ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ أَلْقَمَ الْمَلَكُ الْمِيثَاقَ فَلَيْتَكَ أَلَعَلَّةُ وَضِعَ فِي ذَلِكَ الرُّكْنِ وَ نَحَى آدَمَ مِنْ مَكَانِ الْبَيْتِ إِلَى الصِّفَا وَ حَوَاءَ إِلَى الْمَرْوَةِ فَأَخَذَ اللَّهُ الْحَجَرَ فَوَضَعَهُ بِيَدِهِ فِي ذَلِكَ الرُّكْنِ فَلَمَّا أَنْ نَظَرَ آدَمَ مِنْ الصِّفَا وَ قَدْ وَضِعَ الْحَجَرُ فِي الرُّكْنِ كَبَّرَ اللَّهُ وَ هَلَّلَهُ وَ مَجَّدَهُ فَلِذَلِكَ جَرَتْ السُّنَّةُ بِالتَّكْبِيرِ فِي اسْتِقْبَالِ الرُّكْنِ الَّذِي فِيهِ الْحَجَرُ مِنَ الصِّفَا وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْدَعَهُ الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ وَ أَلْقَمَهُ إِيَّاهُ دُونَ غَيْرِهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا أَخَذَ الْمِيثَاقَ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِمُحَمَّدٍ بِالنُّبُوَّةِ وَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْوَصِيَّةِ إِصْطَكَّتْ فَرَائِصُ الْمَلَائِكَةِ وَ أَوَّلُ مَنْ أَسْرَعَ إِلَى الْإِفْرَارِ بِذَلِكَ الْمَلَكُ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهِمْ أَشَدُّ حُبًّا لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْهُ فَلِذَلِكَ إِخْتَارَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ بَيْنِهِمْ وَ أَلْقَمَهُ الْمِيثَاقَ فَهُوَ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ لِسَانٌ نَاطِقٌ وَ عَيْنٌ نَاطِرَةٌ لِيَشْهَدَ لِكُلِّ مَنْ وَافَاهُ إِلَى ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ حَفِظَ الْمِيثَاقَ

ان شالله رکن بعدی رکن سعی و مسعا را عرض می کنیم که مسعا در حقیقت برای خودش یک حکایتی دارد که شما بعدا هم ترتیبهایش را می بیند که مسعا سعی و سعی که ترتیباتی دارد آنها هم برای خودش یک معنای فوق العاده ای دارد.

حالا دهه ذی الحجه هم هست یک مقداری در حسش بروید (در حس حج و اعمالش)